

(ص ۴۹؛ نیز EI²).

امروزه از شهر کهن بادس جز ویرانه‌ای برجای نمانده است. این محل در ۱۱۰ کیلومتری جنوب شرقی تطوان، بین ناحیه غماره و ریف در سرزمین بنو تطوخت نزدیک مصب سیلاب تالان بادس قرار دارد. پس از جنگ ریف (۱۳۴۶ق/۱۹۲۷م) اسپانیاییها کوشیدند تا مهاجرنشین کوچکی به نام ویلاخوردانا در نزدیکی بادس ایجاد کنند، ولی چندان موفق نشدند. جزیره حجر بادس هنوز به اسپانیا تعلق دارد و ناحیه مستقلی به نام پنیون د ولت د لاگومرا را تشکیل می‌دهد (EI²).

بادس در دوره اسلامی شهری با رونق بود و در نهضت علمی و ادبی با سبته رقابت می‌کرد. در آنجا مدرسه‌ای بود که آثار آن تا به امروز وجود دارد. مسجد جامع بادس نیز مرکزی فرهنگی بود که علوم دینی در آنجا تدریس می‌شد و شماری از علمای ریف در آنجا تربیت یافتند (بن عربی، همانجا؛ برای آگاهی از شرح حال بزرگانی که از بادس برخاسته‌اند، نک: د، بادسی).

مآخذ: ابن ابی زرع، علی، الانیس المطرب، رباط، ۱۹۷۲م؛ همو، الذخیره السنیة، رباط، ۱۹۷۲م؛ ابن خلدون، العبر؛ ابن سعید مغربی، علی، بسط الارض، به کوشش خوان ورت خینس، تطوان، ۱۹۵۸م؛ ابن قاضی مکناسی، احمد، جذوة الاقیاس، رباط، ۱۹۷۳م؛ ابوعبید بکری، عبدالله، المسالک و الممالک، به کوشش وان لون و ا. فزه، تونس، ۱۹۹۲م؛ ابوالفدا، تقویم البلدان، به کوشش م. رنو و دوسلان، پاریس، ۱۸۴۰م؛ ادرسی، محمد، نزهة المشتاق، بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م؛ التری، عزیز سامح، الاتراک العتبانیون فی افریقا الشمالية، ترجمه محمود علی عامر، بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م؛ بن قری، صدیق، المغرب، بیروت، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م؛ وزان، حسن، وصف افریقا، ترجمه محمد حجی و محمد اخضر، بیروت، ۱۹۸۳م؛ و فرانی، محمد صغیر، نزهة العادی، رباط، مکتبه الطالب باقوت، بلدان؛ نیز: EI².

محمد رضا ناجی

بادسی، عنوانی منسوب به شهر بادس (ه م) که دست کم ۲ تن از بزرگان و مشاهیر مراکش بدان منسوب بوده‌اند:

۱. ابویعقوب یوسف زهیلی بادسی (زنده در اوایل سده ۸ق/۱۴م)، صوفی و عارف. وی از قبیله زهیله بود که گروهی از بازماندگان آن طی سده‌های ۸ و ۹ق در حدود بادس می‌زیستند (نک: ابن خلدون، ۶/۱۳۴). گرچه روزگار او نزدیک به زمان تاریخ‌نگاران بزرگی همچون ابن خطیب (م ۷۷۶ق/۱۳۷۴م) و ابن خلدون (د ۸۰۸ق/۱۴۰۵م) بوده، از زندگی او جز مطالبی اندک و نیز شرح حالی که در المقصد الشریف عبدالحق بادسی (نک: دنباله مقاله) آمده است، چیز دیگری در دست نیست. ابن خطیب از او با القابی همچون ولی الله، امام کبیر و عارف شهیر یاد می‌کند (نفاضة... ۲۵۳)، و ابن خلدون او را بزرگ‌ترین و آخرین ولی سرزمین مغرب و یکی از صوفیانی معرفی می‌کند که به مهدویت و انتظار ظهور عقیده داشته‌اند (۱۱/۳) ۵۸۸. ۶/۱۳۴). ابویعقوب و نوادگان او پیوسته مورد احترام سلاطین و بزرگان سرزمین مغرب بودند (نک: ابن خطیب، همانجا؛ ابن خلدون،

آورد و بر بادس استیلا یافت، ولی به زودی کشته شد (ابن خلدون، ۱۱/۲) ۲۸۷-۲۸۸). در همین سده بقایایی از تیره زهیله از قبیله نفاوه در نواحی بادس زندگی می‌کردند (همو، ۶/۱) ۲۳۳-۲۳۴).

به نوشته وزان فاسی: در سده ۱۰ق بادس شهری با حدود ۶۰۰ خانوار بود. داخل شهر بازار و دکانها و مسجد جامع متوسطی قرار داشت. نزدیک شهر دره‌ای بود که به هنگام بارندگی آب در آن جریان می‌یافت؛ اما درون شهر آب آشامیدنی نبود. قصبه زیبا، اما نه چندان استوار شهر مقر امیر بود. وی در خارج قصبه نیز قصر و باغی زیبا داشت. در بیرون قصبه نزدیک دریا کارگاه کشتی سازی کوچکی بود که در آنجا از چوبی که از کوههای مجاور می‌آوردند، قایق و زورقهای بادبانی جنگی می‌ساختند. اهالی بادس به صید ماهی اشتغال داشتند. در آنجا گندم اندک به دست می‌آمد و غذای مردم نان جوین و ماهی، به خصوص ساردین بود که به فراوانی صید می‌شد. این شهر از موقعیت سوق الجیشی و بازرگانی خوبی برخوردار بود و از این رو، سخت از آن محافظت می‌شد. کشتیهای تجاری و نیزی هر ساله یک یا دوبار برای فروش و مبادله کالا به بادس می‌آمدند و در بازگشت، کالاها و مسافران مسلمان را از آنجا به تونس، و حتی به اسکندریه و بیروت منتقل می‌کردند (۱/۳۲۵-۳۲۷، ۳۳۰). مقر حاکم ریف در بادس، و قلمرو او در شهرهای ساحلی از بلیش تا المرقه (امروزه: حسیمه) و نیز در زمینهای برخی قبایل داخلی مانند بقویه، بنی خالد، بنی منصور و بنی یدر گسترده بود (همو، ۱/۳۲۷-۳۳۰، ۳۳۵). EI².

در فاصله کمتر از ۱۰۰ متر از بادس دو جزیره سنگی کوچک وجود دارد. جزیره بزرگ‌تر را «حجر بادس» و به اسپانیایی پنیون د ولت می‌خوانند (همانجا). در ۹۱۴ق/۱۵۰۸م پادشاه اسپانیا برای ختم غائله حملات دریایی، ناوگانی را بدانجا گسیل داشت و این جزیره را تصرف کرد. فرمانده ناوگان در آنجا قلعه‌ای ساخت و آن را با سربازان و جنگ‌افزارها مجهز نمود، به گونه‌ای که شهر در تیررس دشمن قرار گرفت. حاکم مرینی فاس به درخواست امیر بادس سربازانی برای حمله به این جزیره فرستاد، اما کاری از پیش نبرد. وی بار دیگر در ۹۲۶ق/۱۵۲۰م جزیره را مورد حمله قرار داد که در پی آن به دست مسلمانان سقوط کرد (وزان، ۱/۳۲۶-۳۲۷، و فرانی، ۳۶). در ۹۳۲ق/۱۵۲۶م ریف به اقطاع ابوحسین و طاسی که به پسر برادرش احمد بن محمد او را از سلطنت فاس خلع کرده بود - درآمد و او بادس را مقر خود قرار داد (همو، ۳۰-۳۱: EI²). ابوحسین در ۹۶۱ق/۱۵۵۴م شهر و جزیره حجر بادس را به متحدان ترک الجزیره‌ای خود واگذار کرد و آنان به تقویت استحکامات دفاعی آنجا پرداختند (EI²: التری، ۱۹۱؛ نیز نک: و فرانی، ۵۰). این امر سلطان عبدالله الغالب بالله - از سلسله سعدیان - را نگران ساخت که مبادا ترکان جزیره حجر بادس را پایگاهی برای فتح مغرب قرار دهند. گفته می‌شود از این رو این جزیره را به اسپانیاییها واگذار کرد و آنان مسلمانان را از جزیره بیرون راندند. با این حال، و فرانی این روایت را ساخته و پرداخته دشمنان دولت سعدیان می‌داند